

هشدار پلیس درباره کلاهبرداری در پوششی فطره به وزکات

معاون اجتماعی فرهنگی پلیس فتا فراجا نسبت به کلاهبرداری افراد سودجو از شهروندان با ترغیب در دریافت فطره به خیر داد.

سرهنگ رامین پاشایی در این باره گفت: برخی افراد سودجو با جعل آرم‌های کمیته امداد، سازمان بهزیستی کشور و جمعیت هلال احمر و با ترندهای گرافیکی تلاش می‌کنند خود را به دروغ، نماینده آنها معرفی کنند. در ایام پیش‌رو نیز این افراد به بهانه دریافت زکات فطره و کفاره مترصد کلاهبرداری و برداشت‌های مالی غیرمجاز از حساب‌های بانکی شهروندان هستند.

وی با اشاره به اینکه کلاهبرداران در این تبلیغات دروغین با معرفی و نشان دادن تصاویر مناطق محروم تلاش می‌کنند اعتماد عمومی را جلب و کمک مردمی دریافت کنند، اظهار کرد: کار گروه ویژه تخصصی پلیس فتا، نظارت دقیقی در این خصوص اعمال می‌کند. در همین راستانیز پلیس فتا تاکنون با چندین تارنمای مجرمانه بر خورد کرده و تشکیل پرونده قضایی برای تعدادی کلاهبردار در این حوزه را در دستور کار خود قرار داده‌است.

معاون اجتماعی فرهنگی پلیس فتا فراجا از مردم خواست تا نسبت به این ترندها آگاه باشند و زکات فطره و کفاره خود را فقط از طریق مراجع موقت و مورد اطمینان به دست نیازمندان برسانند؛ این مراجع موقت و مسیره‌ای کمک رسانی و شـمـاره حساب‌های معتبر تنها از طریق رسانه ملی و خبرگزاری‌های معتبر اعلام می‌شود.

وی تأکید کرد: مردم به هیچ وجه نباید به شماره حساب‌های مجازی بدون اطمینان، پول واریز کنند و کمک‌های نقدی و غیرنقدی خود را باید صرفاً فقط از مسیرهای اعلام شده از طریق رسانه‌ها و خبرگزاری‌های معتبر اعطا کنند.

بازداشت سارق باشلیک‌پالسی

رئیس پلیس پیشگیری پایتخت از بازداشت سارق سابقه‌دار با شلیک گلوله خبر داد.

به گزارش «جوان» سرهنگ محمد گودرزی گفت: روز گذشته مأموران کلانتری ۱۸۱ وردآورد هنگام گشت‌زنی در خیابان وردیش به خودروی پراید عبوری مظنون شدند. وی افزود: مأموران در بررسی پلاک خودرو متوجه سرقتی بودن آن شدند. سرهنگ گودرزی ادامه داد: مأموران پلیس در بررسی بعدی متوجه شدند مرد سارق از خودرو پیاده و در حال باز کردن در یک خودروی پارک شده‌است. وی افزود: همزمان متهم که متوجه حضور پلیس شده بود، سوار خودرو شد و اقدام به فرار کرد که عملیات تعقیب و گریز به جریان افتاد.

سرهنگ گودرزی گفت: مأموران در جریان تعقیب و گریز با شلیک گلوله به لاستیک‌های خودروی آن‌ را متوقف و متهم را بازداشت و در بازرسی از خودرو مقدار لوازم سرقت شده را کشف کردند.

وی افزود: بررسی ناشی داد متهم از مجرمان سابقه‌دار است که تحقیقات برای کشف جرائم وی جریان دارد.

سقوط مرگبار به چاهک آسانسور

کارگر جوان هنگام کار در ساختمان در حال ساخت در شهرستان ایلام به چاهک آسانسور سقوط کرد و جان باخت. «صرت‌الله لطفی»، مدیر عامل آتش‌نشانی ایلام گفت: روز گذشته امدادگران از وقوع حادثه در یکی از محله‌های شهر با خبر و در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد کارگر جوان هنگام کار در ساختمان در حال ساخت در طبقه هفتم به چاهک آسانسور سقوط کرده و به دلیل شدت جراحات فوت شده‌است که جسد از محل خارج و به پزشکی قانونی منتقل شد.

قتل اشتباهی باجانق باشلیک گلوله

مردی که به هواخواهی باجانقاش وارد درگیری شده بود، او را با شلیک گلوله به قتل رسانند.

به گزارش جوان، سرهنگ علی کرمی، رئیس پلیس آگاهی استان کرمانشاه گفت: روز گذشته مأموران پلیس از حادثه تیراندازی در یکی از محله‌های شهر باخبر و در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد در جریان یک نزاع، مردی ۳۶ساله با اصابت گلوله مجروح و به علت شدت جراحات فوت شده‌است. هم‌زمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی معلوم شد عامل قتل باجانق ۳۴ساله مقتول بوده که بازداشت شد. او در شرح ماجرا گفت: ساعتی قبل از حادثه باجانقام با من تماس گرفت و گفت عده‌ای به خاطر اختلاف منقلب ملکلی مقابل خانه‌اش آمده و با او درگیر شده‌اند که از من کمک خواست. من هم اسلحه کلاشیکف را برداشتم و برای دفاع از جانمقاب مقابل خانه‌اش رفتم. وقتی او اسلحه را دید، گفت که نیازی به سلاح نیست و خواست اسلحه را از دستم بگیرد که دستم روی او نهادم و گلوله‌ای شلیک شد و او بر خورد کرد و جانش را از دست داد. بررسی‌های بیشتر در این باره جریان دارد.

فرار از خانه

برای زندگی در ترکیه

دختری که با سرقت طلاهای مادرش به همراه مرد فریبکار قصد داشت به ترکیه فرار کند، به خانواده‌اش تحویل داده و مرد فریبکار هم بازداشت شد.

چند روز قبل زنی به مأموران پلیس تهران خبر داد دخترش از خانه فرار کرده‌است. او گفت: امروز متوجه شدم دخترم طلاهای من را از داخل کمد برداشته و از خانه بیرون رفته‌است. هر چه با تلفن همراهش تماس گرفتم، جواب نمی‌دهد؛ از شما درخواست کمک دارم. وقتی پرونده در اداره چهارم پلیس آگاهی تهران بررسی شد، مشخص شد دختر جوان از مدتی قبل با مردی در شبکه‌های اجتماعی در ارتباط شده‌است. در شرح فراراش مدتی قبل در یکی از شبکه‌های اجتماعی با مردی جوان آشنا شدم. او به من ابراز علاقه کرد و پیشنهاد ازدواج داد. بعد از من خواست طلاهای مادر م را سرقت کنم و به ترکیه برویم که بازداشت شدم. سرهنگ علی ولی پور گودرزی رئیس پلیس آگاهی تهران گفت تحقیقات در این باره جریان دارد.



جلال مهرگان

مردی که متهم است پس از قتل همسرش، جسدوی را مثله و در حوالی پاکدشت رها کرده بود، سرانجام قتل سکوئش را شکست و به جنایت اعتراف کرد.
اواخر اسفندماه سال گذشته مردی به مأموران پلیس تهران خبر داد همسرش گم شده‌است. او گفت: همسرم برای انجام کاری از خانه بیرون رفت و دیگر برنگشت. بعد از مطرح شدن این شکایت، پرونده به دستور باز پرس جنایی به اداره چهارم پلیس آگاهی تهران فرستاده شد. مرد جوان در بررسی‌های بعدی گفت: من و همسرم چند سال قبل ازدواج کردیم. او چند روز قبل خانه را ترک کرد و

حوادث

سرویس حوادث ۸۸۹۸۳۵

قتل همسر قبل از جدایی

دیگر برنگشت. گوشی تلفن همراهش هم خاموش بود، برای همین هر جا که می‌دانستم به دنبالش گشتم و زمانی که خبری از او نشد تصمیم گرفتم ماجرا را به پلیس خبر بدهم.
وقتی بررسی‌های میدانی پلیس نشان داد مرد جوان از مدت‌ها قبل با همسرش اختلاف داشته، او بار دیگر مورد تحقیق قرار گرفت. مرد جوان این‌بار حرف‌هایش را تغییر داد و مدعی شد که همسرش برای کار از کشور خارج شده‌است. در شاخه دیگری از بررسی‌ها معلوم شد مرد و زن جوان به دلیل شدت اختلافشان قصد جدایی داشتند، بنابراین او بار دیگر در این باره تحقیق شد و گفت: من و همسرم مدتی بود که با هم اختلاف داشتیم.

من متوجه شده بودم که او با مردی وارد رابطه شده و قصد دارد از من طلاق بگیرد و با او ازدواج کند. بعد از آن بود که تصمیم به جدایی گرفتم و درخواست طلاق دادم.
متهم دو روز قبل سرانجام ماجرای قتل را برملا کرد و گفت: با اصرار همسرم قرار شد از هم جدا شویم، برای همین درخواست طلاق دادم. در حال انجام کارهای طلاق بودیم که یک روز بر سر این موضوع با هم مشاجره‌مان شد که من عصبانی شدم و را به قتل رساندم و جسد را در حاشیه پاکدشت رها کردم. سرهنگ علی ولی پور گودرزی، رئیس پلیس آگاهی گفت، تحقیقات از متهم در اداره دهم پلیس آگاهی تهران جریان دارد.

شیرینی‌پزی

پس از قتل استاد دانشگاه

آزمین بینا

مردی که به اتهام قتل استاد دانشگاه تحت تعقیب پلیس قرار داشت با دایر کردن شیرینی‌پزی خانگی در شهرستان اسلامشهر مشغول کار شده بود که همراه همدستش بازداشت شد.

عصر روز ۲۶ اذر سال گذشته مردی در تهران به اداره پلیس رفت و اعلام کرد پسر و عرووش به طرز مرموزی گم شده‌اند.

وی در توضیح ماجرا گفت: «پسرم سعید کنترای مدیریت دارد، روز شنبکار، یادگار و استاد دانشگاه هم هست. او همراه همسرش زندگی می‌کرد و تلفنی هم با من و مادرش ارتباط داشت و گاهی هم به دیدن ما می‌آمد. از شب قبل خبری از او و همسرش ندارم و به تلفن‌های ما هم جواب نمی‌دهند و الا نگران‌شان هستیم و درخواست کمک داریم».

کشف جسد

با طرح این شکایت پرونده به دستور قاضی عظیم سهرابی، بازپرس شعبه نهم دادسرای امور جنایی تهران برای رسیدگی در اختیار تیمی از کارآگاهان اداره یازدهم پلیس آگاهی قرار گرفت. کارآگاهان در نخستین گام از تحقیقات دریافتند استاد دانشگاه و همسرش که در آپارتمانی در شمال تهران زندگی می‌کرده‌اند یک روز قبل هر کدام جداگانه از خانه‌شان بیرون آمده و پس از آن به صورت مشکوکی ناپدید شده‌اند.

در حالی که چند روزی از حادثه گذشته بود، مأموران خودروی شاسی بلند مرد گمشده را در اطراف تهران پیدا کردند که در بررسی‌ها داخل آن پلاک‌های خونی روبه‌رو شدند که حکایت از حادثه خونینی داشت. بدین ترتیب تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت تا اینکه مدتی بعد به کارآگاهان پلیس آگاهی خبر رسید مأموران پلیس در اطراف شهر جسد سوخته‌شده مردی را پیدا کرده‌اند که شباهت زیادی به استاد دانشگاه دارد. سپس مأموران پدر مرد گمشده را به پزشکی قانونی دعوت کردند و وی از روی ساعت مچی باقی مانده در محل جنایت جسد پسرش را شناسایی کرد.

شاهد جنایت

با کشف جسد استاد دانشگاه پرونده وارد مرحله تازه‌ای شد و کارآگاهان جنایی تحقیقات خود را برای شناسایی عامل یا عوامل قتل و پیدا کردن ردی از زن مقتول ادامه دادند تا اینکه متوجه شدند همسر مقتول از مدتی قبل با مرد جوانی به نام تیمور رابطه تلفنی و پیامکی داشته‌است. از سوی دیگر بررسی‌ها نشان داد تیمور هم پس از حادثه ناپدید شده و به محل زندگی‌اش مراجعه نکرده‌است.

در حالی که مأموران با معمای عجیبی روبه‌رو



شده بودند، زن جوانی به نام فتنه به اداره پلیس رفت و راز جنایت را بر ملا کرد.

وی گفت: «من دوست صمیمی شکیلا همسر مقتول هستم. شکیلا لیسانس هنر دارد و خیلی اهل کافه و کارهای هنری است. به همین دلیل ما هر دو به کافه‌ای در شرق تهران رفت و آمد داشتیم تا اینکه در آنجا شکیلا با مرد آنها مراسم عروسی‌شان را برگزار کردند. شکیلا از شکیلا می‌گفت شش سال است با همسرش زندگی می‌کنند، اما خانواده همسرش راضی به زندگی آنها نیستند و اجازه نمی‌دهند سعید مراسم عروسی‌اش را برگزار کند. شکیلا از موضوع خسته شده‌بود و می‌خواست از سعید جدا شود، اما سعید به او علاقه داشت و او اطلاق نمی‌داد. شکیلا به من گفت بارها به شوهرم پیشنهاد جدایی دادم و گفتم به خاطر مخالفت خانواده‌ات بهتر است از هم جدا شویم، اما سعید قبول نمی‌کرد.»

بازداشت پس از ۵ ماه

با اعتراف شاهد قتل، مأموران تیمور و شکیلا را تحت تعقیب قرار دادند، اما بررسی‌های مأموران حکایت از آن داشت و متهم چند روز بعد از حادثه به یکی از شهرهای مرزی غرب کشور رفته و قرار بوده از آنجا به صورت غیرقانونی به مأموران پلیس در ادامه هیچ ردی که نشان دهد دو متهم از محل فرار شده‌اند پیدا نکردند، بنابراین این فرضیه برای مأموران قوت گرفت که به احتمال زیاد متهمان در یکی از شهرهای ایران زندگی مخفیانه‌ای را آغاز کرده‌اند. در

بررسی‌های بعدی مشخص شد دو متهم مدتی در یکی از شهرهای مرزی خانه‌ای اجاره کرده‌اند، اما به خاطر اینکه در دام مأموران گرفتار نشوند به مکان دیگری رفته‌اند. تحقیقات برای شناسایی مخفیگاه دو متهم ادامه داشت تا اینکه دو روز قبل مأموران پلیس با خبر شدند تیمور و شکیلا از مدتی قبل در شهرستان اسلامشهر خانه‌ای را اجاره کرده‌اند و به صورت مخفیانه زندگی می‌کنند. سپس مأموران با نیابت قضایی راهی اسلامشهر شدند و دو متهم را بازداشت و به پلیس آگاهی تهران منتقل کردند. دو متهم در بازجویی‌ها به جرم خود اقرار کردند.

اعتراف

تیمور در بازجویی‌ها در ادعایی گفت: «من اهل کافه بودم و همیشه به کافه‌ای در شرق تهران آمد و شد داشتم. شکیلا با دوستانش همیشه به کافه می‌آمد و مافیا بازی می‌کردند. مدتی گذشت و من با شکیلا و دوستش فتنه آشنا شدم و رابطه دوستانه برقرار کردیم. آنجا با تاقق ما بود و رابطه ما هم هر روز صمیمی‌تر می‌شد و به همین دلیل گاهی با هم درد دل می‌کردیم. من خبر داشتم که شکیلا از شش سال قبل با سعید که استاد دانشگاه بود، عقد کرده اما آنها مراسم عروسی‌شان را برگزار نکردند. شکیلا می‌گفت شش سال است با همسرش زندگی می‌کنند، اما خانواده همسرش راضی به زندگی آنها نیستند و اجازه نمی‌دهند سعید مراسم عروسی‌اش را برگزار کند. شکیلا از موضوع خسته شده‌بود و می‌خواست از سعید جدا شود، اما سعید به او علاقه داشت و او اطلاق نمی‌داد. شکیلا به من گفت بارها به شوهرم پیشنهاد جدایی دادم و گفتم به خاطر مخالفت خانواده‌ات بهتر است از هم جدا شویم، اما سعید قبول نمی‌کرد.»

قرار خونین

متهم ادامه داد: «ما هر روز به کافه می‌رفتم و با یکدیگر مافیا بازی می‌کردیم تا اینکه سعید به رابطه ما مشکوک شد و با من قرار ملاقات گذاشت. او می‌خواست با من حرف بزند و من هم سر قرار رفتم و سوار خودروی سوزوکی وینتاز او شدم. وقتی شروع به صحبت کرد با هم درگیر شدیم و او با چاقو به من حمله کرد و من هم چاقو را از او گرفتم و چند ضربه به او زدم. سعید فوت کرد و من هم جسدش را پشت صندلی انداختم و داخل خیابان هاسر گران بومدم. ساعتی بعد با شکیلا تماس گرفتم و واقعتا را به او گفتم و درخواست کمک کردم. او به من گفت فتنه به ویلا دماوندش رفته و بهتر است با او تماس بگیریم. من با جسد به ویلا رفتم و با شکیلا رفتم و به فتنه گفتم که دستم به خون سعید آلوده



شده‌است. سپس با وجود راه بیابان هاردمیم و در آنجا آتش زدیم تا ردی از خودمان به جای نگذاریم.»

۳۰۰ میلیون تومان

متهم افزود: «من و شکیلا از ترس تصمیم گرفتیم از کشور خارج شویم و خودروی مقتول را در اطراف تهران رها کردیم و سپس راهی یکی از شهرهای مرزی شدیم. در آنجا با قاچاق‌بر انسان‌های آشنا شدیم و ۳۰۰ میلیون تومان به او دادیم تا ما را از کشور خارج کند، اما او روز اول بهانه آورد و روز دوم ما را اقال گذاشت. چند روزی در مرز سرگردان بودیم و تصمیم گرفتیم از طریق قاچاق‌بر دیگری از کشور به ترکیه فرار کنیم، اما ناگهان در ترکیه زلزله آمد و ما از ترس آوارگی پشیمان شدیم.»

شیرینی‌فروشی

متهم در پایان گفت: «پس از این، خانه‌ای در یکی از شهرها اجار کردیم، اما منب‌ها ترس ولز می‌خوایدیم و روزها هم از ترس از خانه بیرون نمی‌آمدیم. به خاطر اینکه پلیس ردی از ما پیدا نکند، هر چند وقت یک بار مخفیگاه‌ها مان را عوض و با مدارک جعلی خانه‌ای در یکی از شهرها اجاره می‌کردیم تا اینکه به اسلامشهر آمدم و در آنجا خانه‌ای اجاره و زندگی مخفیانه خود را شروع کردیم. پول‌ها و پس اندازمان روی به پایان بود و به همین دلیل تصمیم گرفتیم شیرینی‌پزی خانگی راه بیندازیم و با فروش شیرینی خانگی کسب درآمد کنیم و به زندگی ما ادامه دهیم، اما دستگیر شدیم.»

گزارش یک ساختمان مسکونی و مغازه جوشکاری هم دچار خسارت شدند. علت حادثه عدم رعایت استانداردهای ایمنی در زمان جوشکاری تاکر بوده‌است.

مرگ مشکوک مرد جوان بررسی می‌شود

نوبت نگار

تحقیقات پلیس پایتخت درباره مرگ مشکوک مرد جوانی که با مصرف متادون به کام مرگ رفته بود، جریان دارد.

اوایل دی‌ماه سال گذشته قاضی محمدمهدی براعه، باز پرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران پلیس از مرگ مشکوک مرد جوانی در یکی از بیمارستان‌ها باخبر شد و دستور رسیدگی داد. بررسی کارآگاهان جنایی نشان داد روز حادثه دو مرد پیکر نیمه‌جان مرد جوانی به نام پیمان را با یک خودروی پراید به بیمارستان منتقل و ادعایی‌کنندوی با خوردن قرص اقدام به خودکشی کرده‌است. پس از این مرد جوان تحت درمان قرار می‌گیرد، اما ساعتی بعد فوت می‌کند.

شاخرخ دوست پیمان در ادعایی به مأموران پلیس در ادعایی گفت: «من و پیمان و چند نفر از دوستانم در مهمانی حضور داشتیم که در آنجا پیمان تعداد زیادی قرص خورد و وقتی غلتش را پرسیدیم، گفت با مادرش اختلاف دارد. ساعتی بعد او دوباره تعداد دیگری قرص خورد و وقتی سوار خودروی من شد حالش بد شد و من هم او را به بیمارستان منتقل کردم.»

مسمومیت دارویی

در حالی که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت، پزشکی قانونی اعلام کرد علت اصلی مرگ پیمان مسمومیت با متادون است. از سوی دیگر صبح دیروز پدر پیمان به دادسرای امور جنایی رفت و از شاهرخ و پدرش به اتهام مرگ مشکوک پسرش شکایت کرد. وی گفت: «شاهرخ با پسرم اختلاف داشت و طبق گفته‌های دوستانش آن شب شاهرخ با پسرم درگیر شده بود و من به او مشکوک هستم. آنها پسرم را دیر به بیمارستان رسانده بودند، چون بر اساس فیلم دوربین‌های مداربسته بیمارستان پسرم را با برانکارداز داخل خودروی پراید شاهرخ به بیمارستان می‌برند در صورتی که می‌توانستند زودتر به بیمارستان منتقلش کنند تا نجات یابد. آن روز شاهرخ ابتدا با پدرش تماس گرفته بود، پدرش هم در بیمارستان و کلانتری خودش را به جای من معرفی کرده بود. آنها می‌خواستند با جعل مدارک جسد پسرم را تحویل بگیرند، اما موفق نشده بودند. از طرفی هم پسرم هیچ مشکل با من و مادرش نداشته که آنها ادعا می‌کنند به این دلیل به زندگی‌اش پایان داده‌است و الا ن من به آنها مشکوک هستم.»

با طرح این شکایت قاضی محمدمهدی براعه به مأموران دستور داد شاهرخ و پدرش را برای تحقیق به دادسرای احضار کنند. بدین ترتیب با شکایت پدر پسر فوت شده پرونده وارد مرحله تازه‌ای شد و کارآگاهان تحقیقات گسترده‌ای را درباره این حادثه آغاز کردند.

نشت گاز از خانه‌ای راویران کرد

نشت گاز در ساختمان مسکونی در شهرشدن دزفول منجر به انفجار و تخریب کامل ساختمان و زخمی شدن دوزن شد. روح‌الله بهشتی فرد، رئیس سازمان آتش‌نشانی دزفول گفت: ساعت ۷ صبح روز گذشته حادثه انفجار در ساختمان مسکونی در خیابان نظلمی بین قرنی و شورا افتاد. بررسی‌های امدادگران بعد از حضور در محل نشان داد ساختمان مورد نظر به دلیل شدت انفجار تخریب و به ساختمان‌های اطراف هم خسارتی وارد شده است. امدادگران در جریان جست‌وجو در میان آوار وزن ۳۵ و ۶۵ساله را که دچار جراحات شده بودند خارج و به مرکز درمانی منتقل کردند. در بررسی‌های بعدی مشخص شد زن جوان که مرگی سنگ‌نوردی بوده دچار سوختگی ۶۵درصدی و دومین زن هم دچار سوختگی جزئی و شکستگی از ناحیه پا شده‌است که هر دو تحت درمان قرار دارند.

۴ زخمی در انفجار تاکر سوخت

بی‌احتیاطی هنگام جوشکاری تاکر حاصل سوخت و یکی از روستاهای شهرستان میانداوب چهار مجروح برجای گذاشت.

انفجار تاکر حامل سوخت در روستای جعفرآباد شهرستان میانداوب اتفاق افتاد. افتاد. سامان محمدی، مدیرعامل آتش‌نشانی میانداوب گفت: امدادگران بعد از حضور در محل متوجه شدند حادثه انفجار هنگام جوشکاری تاکر حامل مواد سوختگی اتفاق افتاده‌است و چهار نفر در جریان حادثه مجروح شده‌اند که به مرکز درمانی منتقل شدند. از بیمارستان همچنین خبر رسید که وضعیت یکی از مصدمان وخیم است. براساس این گزارش یک ساختمان مسکونی و مغازه جوشکاری هم دچار خسارت شدند. علت حادثه عدم رعایت استانداردهای ایمنی در زمان جوشکاری تاکر بوده‌است.

مفقودی

برگ سبز و برگ کمپانی موتورسیکلت نامی ۱۲۵cc مدل ۱۳۹۴ به رنگ مشکی و شماره پلاک ایران ۱۲۸- ۲۹۹۱۹ و شماره موتور ۰۴۹۳۹۹NBE۰۱۲۴ و شماره تنه ۰۵۴۰۱۲۵A۹۴۱۰۵*# NBE متعلق به نسرین باقری سانونی با کد ملی ۰۰۸۰۳۰۴۱ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
البرز

مفقودی

برگ سبز سواری سمند تیپ LxEFvcNG مدل ۱۳۹۶ به رنگ سفید روغنی و شماره موتور ۰۲۴۷۹۹۷VH۱۴ و شماره شاسی ۰۷۹۲HF۲۶۰۷۹۲NAACJ و شماره پلاک ۳۴۳-۳۲ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.
گلستان

مفقودی

برگ سبز ماشین مزدا تیپ ۱۶۰۰ به شماره شاسی ۰۲۱۸۹۰۰۷۵۱۶ و شماره موتور ۰۲۲۴۴۲۰ و پلاک ۳۱۸س ۱۶۶ ایران ۵۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.
گلستان

مفقودی

برگ سبز خودرو سمند LxEF۷ مدل ۱۳۹۴ به رنگ سفید و شماره پلاک ایران ۹۹- ۳۲۲۹ و شماره موتور ۰۱۵۶۴۶۶۴۳۴۷۶۱۴WBAFG و شماره شاسی ۰۱۳۴۳۴۷۶۱۴NAACJ۱JWXFF و شماره پلاک بحری با کد ملی ۰۱۷۱۸۶۸۶۸۵۴ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
البرز

|| پنج‌شنبه ۳۱ فروردین ۱۴۰۲ || ۲۹ رمضان ۱۴۴۴ ||